

(اصول فقہ)

۱۵۹۹

۳

بکشیه

22 March

۲۷ رجب

تعریف علم فقہ: علم به علیات استنباط حکم

* شرعی است **تعریف دوم** به علم فقہ عبارت از علم به احکام شرعی

اسلام از روی منابع و ادله تفعلی یعنی حاصل خروج دی

* مشخص کردن حکم شرعی به چند روش تقسیم می شود.

۱- تقین معلوم کردن خود حکم شرعی (ادلهی مقرر زره)

۲- مشخص کردن وظیفه عملی مکلف در قبال حکم شرعی به فرض

اینکه حکم شرعی واقعی معتبر باشد و راهی برای تقین وجود

نداشته باشد (اصول عملی)

* ادله مقرر زره چیست ؟ **و وجوب** نیاز واجب است در قرآن

استعمال رعایات

* اصول عملیه چیست ؟ **بعد از چیست** وجود و یا امید شدن

① علم اصول را تعریف کنند ؟ علم به عناصر مشترکه در فرایند استنباط

حکم شرعی

تعریف دوم علمی است که در آن از یک سلسله قوانین و قواعد کلی

۷

که تنبیه آن ها در طریق استنباط حکم شرعی واقع می شود

عناصر مشترک

E

S

علا

تلف

ادامی مراد

۱۴۴۱

۴

21 March

۲۸ رجب

مثال برای علم اصول *

① آیا فرو بردن سرد آب بر روزه حرام است؟

جواب: بلیه حرام است. روایات یعقوب ابن شعیب بر شصت

حکم در روزه در فرو بردن سرد آب حرام است

② آیا دانت حن واجب است؟

جواب: خیر. روایات علی بن صریار در حدیثی که از غیر خود

ویر رسیده باشد حرج واجب است.

③ آیا ناز با قفقه باطل می شود.

جواب: باطل است. قفقه ضرر باطل می شود و ناز باطل

می کند. روایت از زراره که از امام صادق (ع) نقل شده است.

* امتحان مورد اعتماد (نقشه) روی ها

علی بن شعیب - علی بن صریار - زراره

* عناصر مشترک را نام ببرید.

۱- حبیت ظهور عرضی

۲- حبیت خبری

۶

۶

مسئله اول

۱۳۹۹

۵

پنجشنبه

24 March

۲۹ رجب

و عناصر خامه را نام ببرید

عناصر خامه حکم اول

روایت اول از حنیف سند دلالت در مورد روزه

عناصر خامه حکم دوم: روایات دوم از حنیف سند دلالت در مورد حش

عناصر خامه حکم سوم: روایات سوم از حنیف سند دلالت در مورد نماز

کلمه: ادله فخریه: اشعار شده: ادله علی: آیا روزه هم نماز خوانده

می شود یا نماز نگیرد

کلمه: منظور از کتاب همان قرآن است. قرآن هست. اجماع عقل

عقل کلمه: فقه: علم به احکام فروع از روی ادله یا تفصیل



«جلسه دوم»
علی یعنی همان فروع دین

* موضوع علم اصول: عناصر مشترک در فرائد استنباط



ظهور عرفی - خیر تقه

علم اصول و علم منطبق هر دو کیفیت صحیح استنباط و استنباط می دهد

الفقه منطبق در همه ای عرصه های علمی و تمدنی ولی اصول فقط در عرصه ای است

حکم شرعی است - علم اصول منطبق علم الفقه است

واعتد علم اموال در تمام اساط: تصح استقام اصدام

天下第一

9

چیدارشده

25 March

Figure 1

چهارشنبه بدون یک قری از غامر خامه و مشترک اندان یوزرست

قواعد اصولی به صده نقلیه است و استخراج حکم شرعی

به هرله ی تطبیق برآن نظریات است.

↑ اصول و فقه به منزله ی نظریه و تطبیق است

علم حقہ

• تأثیر متقابل بین اعمال و فقر (خدمت)

۴. حوا، علیات استیلاط: آیا استیلاط حایر است یا نه

استنباط مساوی است با اعتماد

دوہنی اجتہاد: ۱۔ اعمال بشریہ ۲۔ استناء حکم شرعی

حکم شرعی چیست؟ قانونی است که از طرف خداوند متعال برای تنظیم

حیات مادی و معنوی به انسان مادر شده است.

ملق نقل سید صدر (ره)

تقریف دوم: احکم شرعی از نظر قدما

حکم شرعی خطاب به شرعی تعلق گرفته به افعال مطلقین (اشباه است)

۴ دوا شال در تعریف دوم حلم شرعی قوما

① خطاب علم سرعی نیست بلکه خطاب (دال) یا کاسف سر حکم

سُورَةُ مِائِدَةٍ

حسرت و توبه

1414

۷

بگفت
In March
بگفت

۱۲ اقسام شرعی عیب به افعال مکلفین تعلق می گیرد.
تکلیف ناشی از ثبات به ذات مکلفین و یا به اشیا یا
استحاطی دیگری که با مکلفین ارتباط دارد تعلق می گیرد.

مثال: افعال مکلفین ← در جواب نماز محل ← نماز خواندن

مثال: ذات مکلفین ← زوجیت ازدواج و حریت زن و مرد
مثال: به اشیا که با مکلفین ارتباط دارد

حکمت ← خانه خریدن که ارتباط دارد.

* حکم تکلیفی چیست؟ حکمی است که به صورت مستقیم و بدون

واسطه به فعل مکلف تعلق می گیرد. محل: نماز و حجب و غیره مستجاب

* حکم وضعی چیست؟ حکمی که به صورت مستقیم و بدون واسطه به

فعل مکلف تعلق نمی گیرد. محل: زوجیت و ملکیت - شرطیت - مانعیت

* اقسام حکم تکلیفی ۱- حکم تکلیفی الزامی ۲- حکم تکلیفی ترخیصی

حکم تکلیفی الزامی بر دو قسم است

۱- یا الزام به فعل است ← واجب

۲- یا الزام به ترک است ← حرام، فحش و فسق - فساد

نماز

* حکم قللی ترخیص در قسم است

۱. بتر است انجام دیم اگر انجام ندادیم عذاب

نخواهیم شد مستحب است

۲. بتر است انجام ندیم اگر انجام دادیم عذاب نخواهیم شد

(مکروه)

۳. انجام دادن یا ندادن صوری است . مباح

مثال های حکم و مفعول : شرطیت - سببیت - حرثیت - مانعیت غیر مبرا
فلکیت - زورجیت - طهارت - نجاسات
استقامت شرکاء و غیره - نماز و غیره
مثال نکره مثل رنج و غیره

* اسامی بیعنه حکم مطلق را نمی گیرند

۱. یا انزام به فعل است

۲. یا انزام به ترک است

۳. بتر است انجام دیم اگر انجام ندادیم عذاب نخواهیم شد مستحب است

۴. بتر است انجام ندیم اگر انجام دادیم عذاب نخواهیم شد مکروه

۵. انجام دادن یا ندادن صوری است مباح

۱۳۹۹

یکشنبه

March

۲

عقوبات استناد حکم شرعی با درش اسلوب انعام می شود

۱- روشن مبتنی بر ادله محذره

۲- روشن مبتنی بر اصول علمیه

۱- ادله محذره چیست؟ موضوع (مبایعات) علی را متضمن می شود

خاطر به دست آوردن خود حکم شرعی از منابع غیر مشترک الهی محذره

مثل چیست خبر واحد

۱- اصول علمیه چیست؟ موضوع عملی را متضمن می کند ولی این اصول حکم

شرعی را متضمن نمی کنند در خود حکم شرعی حمل دارد اصول علمیه

خودشان غیر مشترک هستند مثل استیصال ذخایرات حرام است

یا حرام - منابع حرام است

ما در فقه پرسش بدون پاسخ نداریم

برائت + قبح عتاب بلاغذاب

زیست است عذاب برای بیانی که نبود

۱۳۴۱

۱۱

دوشنبه

10 Shahr

شهر

تعریف قلع: اعتقاد جائز به دروغ قلع ناماع هلالی

است. اعتقاد صد در صدی

* موضوع بحث در علم اصول از عناصر مشترک است

(عناصر خاص) مثلاً آیه یا روایتی در باب خاصی از ابواب فقه دارد

سوره باشد.

(عناصر مشترک) در همه ابواب فقه بحث است و اختتام به باب

خاصی ندارد.

* انواع اصول علم

۱. استصحاب ۲. درات ۳. احتیاط ۴. تحقیر (مردم)

حجت قلع: عنقر مشترک بین ادله محترره و اصول علمیه است

* منظور از حجت قلع چیست؟

۱. قُذَرِیت، قلع من درست نبوده ۲

۲. صغیرین، قلع من درست نبوده

* دلیل حجت قلع چیست؟ اثبات حجت قلع به حکم عقل

بر اساس حق طاعت می باشد. خداوند داری حق طاعت می باشد

در همه کتاب و در همه چیزهای که به آن علم

داریم و حکم انزائی (قطع) وارد دایره حق

طاعت مولانا (یعنی خداوند) می شود.

۲

مُحَذَّرَات : قطع من درست نبوده و خوب ساز حکم در حال

غیبت : یقین پیدا کردم که واجب و در قیامت درست نبوده (محذرت)

یقین پیدا کردم و در قیامت محذروم درست نبوده (مُحَذَّرَات)

مثال : فلان تابع **ف** اگر یقین پیدا کردم آب روز قیامت شخص

↓
آب - شراب شد خطاب بود خداوند مرا عذاب نمی کند و محذروم

(مُحَذَّرَات)

ولی اگر بعد از آن شخص شد آب نبوده **(مُحَذَّرَات)** در اینجا اگر

یقین پیدا کردم شراب نباید می خوردم چون اگر محذروم عذاب دارد.

دلیل نه حکمت است بر در قسم است

۱- دلیل شرعی : هر چیزی که به عنوان دلیل بر حکم شرعی از شارع صادر

شده است **مثل** قرآن - سنت - فعل - تقریر

۲- دلیل عقلی : هر قضیه ای عقلی که می توان به وسیله آن حکم شرعی
لا ثالث بعد از **مثل** : و خوب - علاوه برین و خوب چیزی و خوب مقدم می آن

کتاب: ملل و حقیقت از صلح فتن سیتا

۱۳۹۹

۱۳

چهارشنبه

1 April

شماره ۷

اشکال: لازمی عدم امکان سلب حقیقت صلح این

است که اگر انسان از روی اشتباه قلع به جوار نوشیدن شراب بیدار

کرد مولا حق ندارد او را مت به این اشتباه الله کند و قلعاً این لازم

باطل است و لذا ملزوم (عدم امکان سلب حقیقت صلح) باطل است

تقریف حجت: عبارت از دلیل قطعی یا دلیل ظنی که حجت آن

هو: شارع می تواند عقده قلع را مستند کند حجت صلح را
دلیل قطعی ثابت شده است.

هیر قوا: علم عقل به وجوب ملازمه بین وجوب چیزی و وجوب

صرفه: مثال: وضو نماز واجب است.

مثال

در نماز وضو واجب است

مستحب

توضیح درباره دلیل حقیقت: خداوند دارای حق طاعت می باشد در همه

تکالیف و در همه چیز عای که به آن علم داریم و حکم انزائی (قلع) دارد

داشته حق طاعت مولا (خداوند) می شود.

□

تقریر محرم: افعای تأمیر

خرال: یعنی سخن پیامبر

مقل: کارهای پیامبر

۴

۵

۶

در کتب معتبره

* در حقیقت دلیل شرعی (اعلم) می‌باشد (بیا به آیه ۱۴)

۱۴

۱. دلائل در بیان سزا

۲. اثبات حقیقت

۳. صدور دلیل از خارج

* در معنی ۱ و ۲ و ۳ در مقام اول لفظی در مقابل معانی

و اختتامی لفظی به معانی

در باب دوم در بیان سزا می‌باشد. بیرون آید و و شیخ بن لفظ و معنی که بیرون

که بیرون آید - استعمال در معنی به دستور دیگری می‌شود

دلائل خبری به وجود می‌آید

۱۵ امران لفظ و معانی بیرون آید که از علم به دال علم به

* مدلول بیرون آید که لفظ را دال و معنی را مدلول می‌گویند

دلائل:
 عقلی: حای یا + در برده
 دلائل:
 عقلی: دالیت من است
 و معنی: برجم یاد + شانه عرا - علامه رسد کوی دایم

* چگونه است که در مقام دلائل بیان شده

مورد اول: دلائل ذاتیه نه این معنی که دلائل لفظیه ذاتی است

این مقوله درست است که این سخن آن است که دلائل برای

بن گوییم نیست کل نقض با ما در ردی

مررد دوم. دلالت و ضمیمه یعنی مناد دلالت رفع و اقلع است
تقریباً به این معنی که امری که در این امر است در این امر است

از منافی اختتام دادند این نظریه درست است

انکال و مررد دوم علامه امری که در این امر است و در این امر است

امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

(۱)

درست است

در این امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

سوره است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

تقریباً به این معنی که امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

در این امر (امر) امری است و امر (امر) امری است و امر (امر) امری است

حکم منقول از است چیست

قول و فعل + تحریر و تفسیر (مع)

↓

دلیل شرعی غیر عقلی

دلیل شرعی

عقلی

مقامہ: راجستھان فکریہ (۱۱۵۱) (۱۱۵۱) (۱۱۵۱)

میرزا محمد درویش، استاد کتب، افسر اسرار است

ان قلندر (میرزا) ماعلم دوست اند و حقیقتاً اہم ہوں
وہ کہتے ہیں کہ ان کا انتقام ہمیں دینا ہے اور اس کے لیے ہم
دعائے الٰہی سے مدد کریں گے۔

۱. در بسیاری از موارد سرمایه‌های معتمد است

۲. وضع حصه همراه اعضاء محقق است ولی استعمال اعم است

مال لا شعراں حسرتیں
و صغ عیای حقیقتی

ابتدا (مستعمل) نقلی: (مستعمل) در عر استقامتی مایه لطف و حفا مایه شوندا ای مرقه

الحمد لله رب العالمين وعقاب صورت استغاثی

اشدال اُترغابہ صورت کی لحاظ سے خودی خود فعال است

بیرا مستخدم این است که شخص مستطیل همان در لفافه آورد

نوم قرار داده از آن غافل باشد و این محال است .
چون آن لغات را که من استعد به معنای لغات لطیفه خود لغات

له خود مشاء، در دوران هفتصد و ...

روایت عنایت بر تناسبات **مثال** اسد و فرد شعاع

...میانیت: حال: امروز شمع در دل به سبب

سایر مقامی است از این مقامی که در حدیثی آمده است که در حدیثی آمده است
صالحی

دفعہ محسوس نہ ہو معنی کہ اگر استواء عقل و جمع حاصل می شود

مثال وضع نفسی ← ملاک سے دعا

اول مدنی منشاء دیا اور کہ بعد میں اس کا اثر امتیالی مدنی صلاۃ علیہ السلام سے

دارد ای داده و عیبت است

۲۰

چون در همان حرب سبیل دمیده آن است

۱۱
۱۲

و عیبت همان صفت های امر - ماضی - صارع است

مثال: المار هم الموقد سبیل سبب اشتغال

سبب
عیبت فعل
سبب
دارد فعل

۲

عیبت فعل یک و دای سبب و ربطی است یعنی عیبت سبیل

۳

بیر ربط اشتغال که داده فعل به المار که ماضی است دلالت دارد

فلامه: داده فعل اسم و عیبت آن حرص است

های

حرص و ردا

اسماء اشتغالی

فعل دارد آن اشتغالی و عیبت آن ردا است

عیبت هم هم سر بر روی ار ردا دلالت دارد

دلالت تام: سکوت مضارب بر آن صحیح است. بجمع السکوت علیها

خدمات ماضیه: سکوت مضارب بر آن صحیح است. تابع السکوت علیها

۱۳۸۳

۲۱

حرف و غایت حلال با حق درست بر لیس

دلیل دارد بر خلاف غایت حلال با حق درست

غیر بر لیس دلالت دارد
تجربت اسناد

۱- دلالت نظری
۲- دلالت تجربی

۱- دلالت نظری آن است که در این اسان به حق شدن لغز
به حق آن عقل است اگر چه نویسد آن معارضه کرده است

۲- دلالت تجربی آن است که لغز برای دلالت دارد که نویسد
معارضه کرده و مقصود او بوده است

۳- دلالت معنی
دلالت نظری دلالت عقلی است زیرا مانی از وضع کلام برای
معارضه کرده و مقصود او بوده است

۲۲
۱- دلالت نظری دلالت عقلی است
۲- دلالت تجربی دلالت عقلی است

معارضه کرده و مقصود او بوده است

۱- معارضه کرده و مقصود او بوده است
۲- معارضه کرده و مقصود او بوده است

۳- دلالت نظری
۴- دلالت تجربی

۱- در اراده نظری معارضه کرده و مقصود او بوده است
۲- در اراده تجربی معارضه کرده و مقصود او بوده است

جمله در مورد به خودی ایستاده . احتمال محقق شود و خود

جمله ی اثباتیه . متکلم می خواهد محقق شود در عملی

اثباتیه احتمال محقق و خود ندارد .

* فرد و جمع شده اند برای دلالت بر یک فاعل (و همه اشکالات)

* جمله ی خبری برای استناد آن حکایت به نفس (یا جمع و جمع شده

ولی جمله ی اثباتیه برای استناد آن حکایت به نفس آن محقق است

است و جمع شده (و همه اشکالات - ساد)

بعثت خبریه و نه اثباتیه . هر قائل در محلول خبریه است

یعنی فرد و برای در نسبت جدا شده و جمع شده است . بعثت خبریه

از خبریه خبریه و نه محقق شده و نه اثباتیه از خبریه خبر

می داند که می خواهد محقق بشود (مشرک لعلی) (ساد)

* علم اصول از عناصر خبریه است و نه خبریه و نه خبریه

خبریه فعل امر . الوعوب دلالت دارد .

اشکال و جواب یک معنی است و خبریه خبریه خبریه خبریه

و خبریه دلالت کند . خبریه خبریه خبریه خبریه خبریه خبریه

در این مورد مثل سرنش و ناب دارد و احوال

۲۴

بکشد

تفیدی امر بر پشت ارسالی دلالت دارد

بجز ارسالی (بنا است بر این که در سال مادن مثل) و این ارسالی

نمی آید و احوال باقی از رفتن شدید در آلود شدن امر شده می باشد

که در این مورد و در این احوال است این رعیت می بیند

در این (است) سال میل به طلاق می آید و این احوال

تفیدی (بهم) در صورت دلالت دارد است اما

نمی آید از این احوال از احوال مادی مثل سال

و این امر بر پشت ارسالی به صورت الزامی وضع شده

و این امر بر پشت ارسالی به صورت الزامی وضع شده

و دلیل مورد و بیاد است

در این احوال که بر مادی دلالت دارد شایع در این احوال

می باشد

بصرف تفیدی و در این احوال است این امر بر پشت ارسالی دلالت دارد

قال أكرم العار المسلم

قال أكرم العار حلق

ارباب علم (تأمر و تأکید) تا به او رسد

۲۵ اشارت مشهور است (تأمر و تأکید) تا به او رسد

کلام و عدم و تفریق و اتحادی است اما ذی (تأمر و تأکید) تا به او رسد

تأمر و تأکید در کلام و عدم است اما ذی (تأمر و تأکید) تا به او رسد

مثال: دعای ماه رمضان

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

تأمر و تأکید که منم در آن تعلق می کند

(۱) مکتور زبان آمده است (۲) - ۴ مدلول معنی ۲۶

(۳) مکتور زبان مکتور زبان مکتور زبان

و مکتور زبان مکتور زبان

۱- مکتور زبان مکتور زبان مکتور زبان

۲- مکتور زبان مکتور زبان مکتور زبان

۳- مکتور زبان مکتور زبان

۴- مکتور زبان مکتور زبان

۵- مکتور زبان مکتور زبان

۶- مکتور زبان مکتور زبان

۷- مکتور زبان مکتور زبان

۸- مکتور زبان مکتور زبان

۹- مکتور زبان مکتور زبان

۱۰- مکتور زبان مکتور زبان

۱۱- مکتور زبان مکتور زبان

۱۲- مکتور زبان مکتور زبان

۳ اگر لغو ملاحت داشته باشد برضای دلالت کند

و آن آن که در آن سر و دست و پا و ...

بست به معانی دیگر در یک نرات (ترجمه دارد) نعم در یک صا ظهور
بیشتر دارد مثال **خدا در یک کلام** **در یک علم**
آورد کلام قریشی و خود داشته باشد و آن ضای حقیقی را در

نمونه تیریم و آورد کلام قریشی و خود داشته باشد که از ضای حقیقی
صرف مکرریم در این حدیث آن را ضای عباری در مکرر مکرریم

قرینه به در قسم است

۱. قرینه منقوله در یک کلام آورده شد قرینه مثل اعین رفته

عوضه ۳ قرینه منقل به کلام است

۲. قرینه منقوله قرینه منقل نه کلام است دو کلام هر دو هم

همند که هو و معنون یکی است غلط است بعدا بین اصنام شده

را دهمای اثبات صدور دلیل از معصومین (ع)

۱. **تو ابر خود ابر مقدر که از یک واقع خبر می دهد**

۲. **اجماع و سنّت : اتفاق هیچ علماء و فقهاء بر یک حکم شرعی**

۳. **سنّت یعنی اتفاق اغلب علماء و فقهاء بر یک حکم شرعی**

۲۸ خبری شریعی که کسی که عقیده به شرع مقدس است

(۳) خبر واحد یعنی که خبری که موثرتر باشد

به نسبت خبر واحد: (تثانی) مقوم

۱. سیره عیلا ۲. سیره مشرعه ۳. آیهی شاهی

که با او اهل الدین آمده اند و با آنکه حاکم حاکم است

یعنی مقوم آیه این می شود که اگر عادل در شاهی است آورد تحقق

یاریست و در آیه شریفه: (و احدهما منسوخ)

ما قول - فعل - تفسیر مقوم دح

۲۹ دلیل شرعی است دلیل شرعی غیر لفظی

در باب فعل و اتمام دادن یک فعل توسط مقوم دلالتی دارد

آن فعل می کند و ترک یک فعل توسط مقوم دلالت بر عدم وجود

آن فعل دارد و معنی که مقوم فعل آیه مقوم قریب و طاعت

خواهد بود اتمام دلالت بر حصولیت آن فعل دارد

و استقامت

تفسیر کسویت تأییدی است کسویت اضافی

عقلی
 ① این یک نوع است که در یک رابطه است

است ② ذاتی هم یک نوع است و نوعی است
 محض و مجرد و نام دارد

① نعل انعام دادن مسخ سوار باین به بالا
 ② مثال: سوره عطار و عمل کرد در دهر و حشره احد نشانه

* هرگز سوره به ملا و امرو و عتق است * سوره عطار به باید و است
 محض و دارد و این سوره عتق به بار باشد محض و دارد

و این نوع علاقه های عقلی را می بیند؟

۱- علاقه بهاد میانه و سبید

۲- تلایم : علاقه به و سب طلایع خود می بیند که در خود است

۳- علاقه به قدم و تاخر (تنی)

* انواع علاقه های عقلی در باب احکام را می بیند

۱- علاقه بین یک حکم و حکم دیگر است (علاقه بهاد) بن و خود و حرمت

۲- علاقه بین یک حکم و حرمت است

۱ علامه (ن) یک حکم و منطبق است

۲ علامه (ن) یک حکم و چند معانی است

۳ علامه (ن) یک حکم واحد است

سوال ۱ (علامه بقار) سی و خوب و حرمت غسل می برد

احکام حدان (و تا حد هم) مثال استانی شود یک فعل
واحد هم واجب باشد هم حرام باشد

سوال ۲ اگر حدی را قیاس شود واحد باشد ولی در عنوان در آن موارد

است آیا اگر شود در حکم قیاسی بر خوب و حرمت سرای شری حدی

و بعد در حدان فعل بهار عنوان در میان معنی
و خوب و حرمت سرای شری حدی

پایه در این داده سطر است

سطر بی اول سایر است و صواب است عنوان مفرد و جمع به در حدی

سود و ارجح است عنوان جمع و جمع به حرمت شود چون عنوان عامه

است (و در عنوان مفرد و جمع) احتیاج در حکم قیاس استکالی ندارد.

سطر بی دوم چون وجود خارجی واحد است و عنوان برای شری

در حکم قیاس کفایت نمی کنند

سوال آیا این حد واجب است یا تعدد عنوان
یعنی دو عمل باشد

دوشنبه

جواب: اگر ملک تعدد وجود باشد شوب در حکم عباد

دری اجماع امر و بی در یک عمل - از نیست ولی اگر ملک تعدد عنوان باشد

اجتماع امر و بی جایز است.

- * اجتماع امر و بی در تعدد وجود و بی
- * ولی در تعدد عنوان اجتماع امر و بی جایز است

سوال آیا خیرات مستلزم مطلقان است؟

جواب در عبادات بی مستلزم مطلقان است
در معاملات بی مستلزم مطلقان است
خیرات

عبادات حتماً باید مره الی الله باشد
* مخرج حکم شرعی دارای دو مرتبه است

۱- مرتبه اول: جعل حکم به معانی تشریح آن از جانب خداوند است.

۲- مرتبه دوم: فعلیت به معانی ثبوت فعلی آن در حق این ملک است

مثلاً در باب حج تشریح حج آمده یعنی در صورت حج آیه همیشه جعل حکم

مردود به ملک استعلاست داشته باشد به فعلیت می رسد.

در معنی حکم احدی که فعلت حکم عموماً برکن است ۲

در معنی هم می گویند بل این در معنی است

ماخرینا شد - فرغی نماند

و علامه در معنی هم و عموماً می باشد علامه می گویند در معنی است

و این را که می گویند در معنی است هم می گویند و می گویند

و این را که می گویند در معنی است هم می گویند و می گویند

و این را که می گویند در معنی است هم می گویند و می گویند

است در معنی است این معنی را می گویند و می گویند

است در معنی است هم می گویند و می گویند

و این را که می گویند در معنی است هم می گویند و می گویند

در معنی است هم می گویند و می گویند

در معنی است هم می گویند و می گویند

در معنی است هم می گویند و می گویند

در معنی است هم می گویند و می گویند

در این مقام به رسم اولی و ثانوی در هر دو طرف

چهارم - درم حقشون - **مستحق** - و این یکم از اقسام
 پنجم - است از انواع و کرده - برای تبدیل و این در و حرمه است (استاد)

نام است وایب در گردن ما آمده

[illegible]

فصل دوم در قسم اول عدل و امانت (مطهره) (ج ۱)

۴. فصل دوم استقامات و تحمل عذاب و مرگ و آتش و امثال اینها

(استطاعت)

علاقه در داخل جسم مراد

(خوشگام) دم نسی و احد که هر کس از احد است فقل می نرسد غار روح حبه

در اصطلاح به معروف واحد که به حرکت واحد تعلق گرفته (شعوب نفسی)

استمدالی لغت میں سبز و سہ و خوب حالی کہ برای عرب از احمر اعی ماسد

و توب نفسي في يومئذ قلنا وهو نفسي استغاثي بهما

بعد از آن نظر علی بن محمد بن عیسیٰ را بوی

دارم می نمودن این است که هر زمان نفسی از وجود مای صمغی

در حدیث و حدیث

۴

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

در حدیث و حدیث

و در صورت محالیت عیالی بدو بدو بیرون برزخون عیال

۶

اداری شرعی را از آنکه در آنست و انفسد

والا انفسد روح خود و بدست رسول

(۱)

باید که آنکه در خود هم داشته باشد و آنرا بر آنست

هنگامی که در حال سال است که در روح رسد و آنرا که در عیال است

و از آنست که در دلالت دارد و آنرا که در عیال است

والا انفسد روح و آنرا که در عیال است و آنرا که در عیال است

(۱)

بسیار عیال است که از آنکه در عیال است و آنرا که در عیال است

۱- ششم در عیال است و آنرا که در عیال است و آنرا که در عیال است

۲- ششم در عیال است و آنرا که در عیال است و آنرا که در عیال است

۳- ششم در عیال است و آنرا که در عیال است و آنرا که در عیال است

۴- ششم در عیال است و آنرا که در عیال است و آنرا که در عیال است

هو موغ آن است و عیال دارد و آنرا که در عیال است

علم اجمالی در مقابل علم تفصیلی است

اردیبهشت ۱۴۰۱ / ۲۰۲۰

۱۳۹۹

۷

یکشنبه

20 April

۲۰ اردیبهشت

* گاهی ما علم و یقین به نیاز جمع داریم (علم تفصیلی) *

* در مورد نیاز جمع باید روز جمعه علم به وجوب نیاز علم

یا نیاز جمع داریم اما یقین به آن به ما ملوک است (علم اجمالی)

* گاهی در اصل وجوب شک داریم (شک بدوی) در این شک علم

برائت

قابل به برائت هستند

تقریف استصحاب: افعال عاقلان: عمل در طبقه حالت سابق

یقینی ملامت شک در بقاء آن

دلیل: لا تتحقق اليقين ابدأ بالشك

یقین به وضوح شک یقین در نجاست شک

یقین سابق شک لاحق

علم تفصیلی: مثلاً: ۱۰ تا ظرف است و من میدونم دقیقاً ظرف ۷ و ۸

نقص علم تفصیلی می شود *

علم اجمالی: ۱۰ تا ظرف است من میدانم در ۱۰ تا از ظرفها نقص اما

من دانستم کدامها نقص اند علم اجمالی می شود

مقدّمات در معرفت علم اجمالی

۱۳۹۹

۸

27 April

۲۷ بهمن

دوشنبه ① علم به لحاظ جامع: می دانیم و علم داریم ①

② تکبیر به تعداد اطراف علم اجمالی: ②

مثال: نیاز به ① یا نیاز ظاهری، علم به نجاست داریم ولی نمی دانیم کدام نجاست ①

علم به وجوب ماز داریم ولی نمی دانیم کدام واجب

② در مورد اهل در مورد دوم سه مورد ③ تا اقل

① موافقت قطعی: مثلاً در مورد اهل عرد و نیاز اینخوانند در مورد دوم

عم سه تا ظرف را هم بخش بدانند

② مخالفت قطعی: مثلاً در مورد اهل هیچ کدام اینخوانند در مورد دوم

عمر سه را مصرف کنند

③ موافقت احتمالی: در مورد اهل یکی از نیازها اینخوانند یکی ~~از نیازها~~

را مصرف نکنند

④ مخالفت احتمالی: یکی از ظرف ها را مصرف نکنند

در مورد علم اجمالی قاعده احتیاط جاری می شود.

999

9

29 April
ارمن

انفال علم اجالی : به علم تفضیلی و شک بدوی

علم اجالی ازین می ره و به علم تفضیلی یا شک بدوی

تبدیل می شود مثال : من مقتداً بدلم باز واجب

انواع استحباب :

① استحباب حکمی : عبارت از آنست که حکم قضایای مورد نظر قرار

گیرد در حالتی سابقاً آن حکم مسلم و قطعی بوده است

مثلاً : وجوب : وجوب حکم است امتان بر پدر و مادر و فرزندان

مثال : ائمه استنادی پیدا کند : حق و وقتی در فرزندی عاقل شود

② استحباب فرضی : عبارت از آنست که موضوع قضایای مورد تردید

و استحباب قرار گیرد مثال حیات زید : انا هـ ا ما ع ندیم انا

حق ندیم آن که زنده است استحباب حیات زید جاری می کنیم

③ استحباب در مقتضی : گاهی در اصل قابلیت بقا می باشد برای

درت مولای شک می شود مثال : شک داریم بر زبانی است یا بانی

مثلاً : مورد بهر ازین علت خراب شده یا نه جبر قابلیت دارد بانی

بماند

در شول

④ استعجاب در حاشیه: دلیلی یقین داریم به انقباض شش.

متعین سابق قابلیت معاد دارد ولی در عارضه یقین

شک داریم مثال: طهارت آب شاید کیفیتش ولی نفس نفی شود

آیه فی حید سال هم مانند نفس نفی شود اول پاک بوده.

صغرات استعجاب: هنا باید در استعجاب باشد.

۱. یقین سابق عدالت من - یقین داشتم

۲. شک لاحق شک دارم

۳. معلق یقین شک را میباید الان در نیابت من شک دارم

۴. فعلیت داشتن یقین و شک: نفی موت و واپس چیزی نباشد

نهی الان